

ادبیات ایران در هزاره دوم نگاهی به گذشته و اشاره یی به هزار سال مبارزه فرهنگی (۵۴)

اسماعیل وفا یغمایی

رقابتهای دولتهای بزرگ در دوران فتحعلیشاه و آغاز تجزیه ایران

در دوران فتحعلیشاه رقابت دولتهای بزرگ و قدرتمند روزگار، انگلیس، فرانسه و روسیه و نیز شورشیهای فراوانی که در گوشه و کنار ایران رخ داد، ایران را وارد مدار غم انگیزی از حیات سیاسی و اجتماعی خود کرد و باعث شد بخشهای گسترده ای از ایران از دست برود. بررسی کامل وقایع دوران فتحعلیشاه و نقش دولتهای خارجی در این ماجرا اگر چه لازم است ولی در حد توان و ظرفیت این یادداشتها نیست به همین دلیل اشاره ای به این وقایع کرده و مطالعه بیشتر به خوانندگان علاقمند واگذار می شود. ماجرا با شورش زمان شاه نواده احمد خان درانی و تصمیم او برای حمله به سند و پنجاب در هندوستان - نواحی تحت سلطه انگلیس - آغاز شد. ماجرای زمان شاه انگلستان را به بر انگیزتن فتحعلیشاه علیه زمان شاه و رد و بدل کردن سفیران متعدد واداشت. در سال ۱۲۱۶ هجری، ۱۸۰۱ میلادی محمود میرزا برادر زمان شاه که تحت الحمایه فتحعلیشاه بود موفق شد قندهار و کابل را فتح کرده و زمان شاه را دستگیر و کور نماید و خود تحت حمایت ایران امیر افغانستان گردد.

ایران و فرانسه

همزمان با این وقایع ناپلئون بناپارت برای حمله به هند و قبضه کردن مرکز ثروت انگلیس به فرستادن سفرای متعدد به دربار ایران و جلب نظر فتحعلیشاه پرداخت و سرانجام در سال ۱۲۲۲ هجری، ۱۸۰۷ میلادی قرارداد فیینکن اشتاین در شانزده ماده، در لهستان بین ایران و فرانسه منعقد گردید. در این قرارداد فرانسه از جمله متعهد گردید ارتش ایران را باز سازی و مجهز نماید و در برگرداندن گرجستان به خاک ایران، ایران را در جنگ با روسیه یاری دهد. ایران نیز متعهد گردید در لشکر کشی فرانسه به هند سپاهیان ناپلئون را یاری دهد. پس از این عهد نامه شمار قابل توجهی از متخصصان فرانسوی به ریاست سرتیپ

گاردان به ایران آمدند و مشغول فعالیت شدند. با تمام اینها پس از آن که میان روس و فرانسه قرار داد تیلستیت، بر علیه انگلیس بسته شد، ناپلئون تلاشی در جهت منافع ایران به عمل نیارورد و لاجرم دربار ایران متوجه انگلیس گردید.

ایران و انگلیس

ادامه چرخش دربار فتحعلیشاه از سوی فرانسه به جانب انگلستان، به رفت و آمد سفیران ایران و انگلیس و ورود هیئت سرجان ملکم در سال ۱۲۲۴ هجری، ۱۸۱۰ میلادی و سرانجام عقد قراردادی میان انگلیس و ایران در سال ۱۲۲۹ هجری، ۱۸۱۴ میلادی گردید. این قرار داد که میان سر گور اوزلی سفیر انگلیس و فتحعلیشاه بسته شد استقلال سیاسی ایران را تسلیم دولت انگلیس کرد و ایران را از نظر سیاسی تحت نظر دولت انگلیس قرار داد. از این مقطع از تاریخ می توان رد پای انگلیس و سیاست انگلیس را در تاریخ ایران به تماشا نشست.

جنگهای ایران و روس

قتل آقا محمد خان و مرگ هراکلیوس فرمانروای گرجستان - شش ماه پس از قتل آقا محمد خان - اختلاف میان ایران و روس را دامن زد. گیورگی دوازدهم یا گرگین خان پسر هراکلیوس برای سرکوب برادران و رقیبان خود، گرجستان را تحت الحمایه روسیه قرار داد و روسها لشکریان خود را به بهانه حمایت از گیورگی به تفلیس آورده و پس از مرگ گیورگی در سال ۱۲۱۵ هجری، ۱۸۰۰ میلادی گرجستان را رسماً به روسیه منضم ساختند. پیشینه خونین و شقاوت بار دوران آقا محمد خان و ظلم و تجاوزهای لشکریان آقا محمد خان زمینه های این جدائی را تا حد زیادی فراهم کرده بود.

دوره اول جنگهای ایران و روس

و عهد نامه گلستان

سیسیانف یا اشپخدر حاکم روسی تفلیس در سال ۱۲۱۸ هجری، ۱۸۰۳ میلادی به اشغال خانات و گنجه و شوشی و بخشهای دیگری از سرزمینهای تحت تصرف ایران دست زد و این به منزله شروع رسمی جنگ بود. جنگهای خونین و متعدد ایران و روس از سال ۱۲۱۹ تا ۱۲۴۳ هجری، ۱۸۰۴ تا ۱۸۲۸ میلادی طی دو دوره ادامه یافت و به دلایل مختلف از جمله فساد گسترده در دربار و دولت ایران و نقش دول خارجی به ویژه نقش دولت

انگلیس به عقد قرار دادهای گلستان و ترکمانچای منجر گردید.

عهد نامه گلستان

عهد نامه گلستان در ۲۹ شوال ۱۲۲۸ هجری مطابق با ۲۶ اوت سال ۱۸۱۳ میلادی پس از جنگهای اچمزین ۱۲۱۹ هجری، ۱۸۰۴ میلادی، جنگ خانشین ۱۲۲۲ هجری، ۱۸۰۷ میلادی و جنگ اصلاندوز ۱۲۲۸ هجری، ۱۸۱۳ میلادی با نقش فعال سفیر انگلیس، در قریه گلستان از توابع قریباغ منعقد گردید و دولت ایران تمامی گرجستان، سرزمینهای ساحلی دریای سیاه، باکو، دربند، شروان، قریباغ، شکی، گنجه، موقان، و قسمت علیای طالش را به دولت روسیه واگذار کرد. با قرار داد گلستان دوره اول جنگهای ایران و روسیه خاتمه یافت.

شورشهای خراسان و

افغانستان

در کشاکش جنگهای ایران و روس و در هنگامی که دولت ایران تمام نیرو و امکانات خود را در گیر جنگ با روسیه کرده بود تمام قسمت شرق ایران دچار شورشهای قبایل و طوایف مختلف گردید. شورش محمد خان افغان غلجائی در ۱۲۲۰ هجری، ۱۸۰۵ میلادی، شورش فیروز میرزا حاکم تحت الحمایه ایران در شهرهای هرات و غوریان در سال ۱۲۲۲ هجری، ۱۸۰۷ میلادی، شورش مجدد فیروز میرزا در سال ۱۲۲۹ هجری، ۱۸۱۴ میلادی، شورش درویش خواجه محمد کاشغری در مازندران و استر آباد در سال ۱۲۲۸ هجری، ۱۸۱۳ میلادی، شورش پسران اسحاق خان قرائی در تربت حیدریه در سال ۱۲۳۰ هجری، ۱۸۱۵ میلادی، شورشهای محمود شاه، فتح خان بارکزائی، محمد خان قرائی، رحیم خان ازبک و والی بخارا در سال ۱۲۳۳ هجری، ۱۸۱۷ میلادی، شورش دوست محمد خان در پیشاور و کابل و غزنین و.... شماری از این شورشهاست که موجب خونریزیهای فراوان و ضعف هر چه بیشتر ایران گردید.

جنگهای ایران و عثمانی

در فاصله سالهای ۱۲۳۶ تا ۱۲۳۸ هجری، ۱۸۲۱ تا ۱۸۲۳ میلادی و در کشاکش جنگهای ایران و روس، پناه آوردن پاشای شهر زور عبدالرحمن پاشا به ایران باعث کدورت اولیای دولت عثمانی و سرانجام شعله ور شدن آتش جنگ میان ایران و عثمانی گردید. طی جنگهای دوساله ایران و عثمانی که به فرماندهی عباس میرزا

ولیعهد انجام شد سپاهیان ایران نیروهای عثمانی را شکست دادند و سرانجام با انعقاد معاهده ارزنه الروم در سال ۱۲۳۸ هجری، ۱۸۲۳ میلادی جنگ خاتمه یافت.

دوره دوم جنگهای ایران و روس و معاهده ترکمانچای

ابهامات موجود در عهد نامه گلستان در باره تعیین خطوط مرزی ایران و روسیه، نارضایتی خوانین طالش از استیلای روسیه بر طالش، شکایات مسلمانان قفقاز به فتحعلیشاه، تلاشهای مراجع مذهبی برای اعلام جهاد علیه کفار روسی و تلاشهای روحانیون نجف و روانه شدن تعداد زیادی از عراق عرب و اصفهان برای جهاد، شعله دوره دوم جنگهای ایران و روسیه را بر افروخت. دوره دوم جنگها با پیروزی ابتدائی سپاهیان ایران و سپس شکست در جنگهای شمکور در سال ۱۲۴۲ هجری، ۱۸۲۷ میلادی و جنگ گنجه در سال ۱۲۴۳ هجری، ۱۸۲۸ میلادی، به معاهده ترکمانچای انجامید. با معاهده ترکمانچای دولت ایران، ایروان و نخجوان و اردوباد را نیز به روسیه واگذار کرد و متعهد شد بیست کرور تومان سکه طلا به عنوان خسارت جنگ به روسیه بپردازد. اضافه بر این دولت ایران حق کشتیرانی در دریای خزر را از دست داد و دولت روسیه اجازه یافت که در هر نقطه که بخواهد قنسول تجارتي بفرستد.

شورشهای دیگر و مرگ فتحعلیشاه

سرکوب شورشیان خمسه، شورش عبد الرضا خان در یزد، شورش محمد خان قرائی در تربت، شورش رضا قلیخان در قوچان، شورش ترکمانان و لشکر کشی به هرات، شماری دیگر از وقایع دوران پر آشوب سلطنت فتحعلیشاه است. در دوران فتحعلیشاه ایران از هر جهت در سراسر فقر، ظلم و دور افتادن از قافله تمدن، روزگاری بس سیاه را تجربه کرد. یکی از مصایب دوران فتحعلیشاه نابودی بازم بخش قابل توجهی از جمعیت ایران در اثر بلایای جنگ و ناامنی بود. جمعیت ایران که در دوران صفوی رشد قابل توجهی داشت و بر اساس شماری از گزارشات و برآوردها، از جمله بر آورد شاردن و نظر ابتهاج مندرج در «جلد سوم تاریخ اجتماعی ایران» تالیف مرتضی راوندی چهل تا پنجاه میلیون بر آورد شده است، پس از تهاجم افغانها در دوران

بقیه در صفحه ۱۹